

جنگ نرم و وجود شبهات و لزوم شاخصه بینش و بصیرت در یاران تراز*

محمدصابر جعفری^۱

چکیده

نبود یاران کمی و کیفی و کسانی که بتوانند یاریگر امام و تحقق بخش اهداف الهی او باشند کاستیای بوده که در تعابیر مختلف روایی ما مطرح شده است. جامعه یاران که شکل می‌گیرد جدا از ویژگی‌های و خصوصیات عمومی که خصائص شیعه و مؤمنین است نیازمند شاخصه‌هایی است برتر. یکی از این شاخصه‌ها بینش و بصیرت و آگاهی است که در مقابل تهاجم نرم دشمن و ایجاد شبهات و تردیدها باید وجود داشته باشد. جنگ نرم فکر و دل، اندیشه و احساس مخاطب را مورد تهاجم قرار می‌دهد. نقشه و برنامه اساسی دشمنان، تردیدافکنی و ایجاد شبهات است که باعث خلل در عزم و اراده جامعه مؤمنان می‌شود. کاری که دشمنان می‌کنند، ایجاد شبهه افکنی و بی‌اعتقادی، جای ایمان راسخ، است. شبهه و تردید نسبت به رهبر و امام، دین و میانی و اهداف و تردید درباره کارگزاران و... برخی از این شبهات است و در مقابل شناخت امام، دین‌شناسی، زمان‌شناسی، درک موقعیت و وظیفه‌شناسی و انجام تکالیف، عدم غفلت و بصیرت‌افزایی راهکار پیشگیری و مبارزه با جنگ نرم دشمن است.

واژگان کلیدی

نیروهای تراز، جنگ نرم، مشکلات بیرونی، شبهات، بصیرت، شرح صدر.

مقدمه

یکی از مسائلی که در گفتمان اهل بیت علیهم‌السلام و شیعیان و همراهان بسیار به چشم می‌خورد و بارها با ادبیات مختلف گاه در قالب سؤال و گاه در قالب شکوه و گلایه مطرح شده است اهمیت یاران و نقش آنان در قیام و ظهور و عون و نصرت اهل بیت علیهم‌السلام و ویژگی‌های آنان است. برخی روایات به نبود یاران به اندازه کافی و اصل لزوم وجود یاران اشاره دارند و برخی به عدم وجود ویژگی‌های لازم در میان مدعیان یاری. این بحث در چند محور قابل بررسی و گفت‌وگوست؛ نسبت به امام، نسبت به پذیرش

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۹

۱. عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم، ایران (jafarimsaber@yahoo.com).

مسئولیت‌ها، نسبت به جامعه مؤمن، نسبت به دشمنان و بالاخره در برابر موانع و مشکلات چه شاخصه‌هایی باید داشته باشند تا قوام امر امام و تحقق بخش اهداف امام گردند. آنچه در این جا به دنبال طرح آن هستیم شاخصه‌های یاران در قبال مشکلات است و آن هم جنگ نرم و شبهاتی است که دشمنان ایجاد می‌کنند.

در روایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

وَلَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ (صبحی صالح، ۱۴۱۴ق: ۲۴۸)؛

این ره و ولایت را کسی متحمل نخواهد بود جز آن که اهل بصرو بینش و استقامت باشد.

شباهات و تردیدها (جنگ نرم)

نقشه و برنامه اساسی دشمنان، تردیدافکنی و ایجاد شبهات است که باعث خلل در عزم و اراده جامعه مؤمنان می‌شود. کاری که دشمنان^۱ می‌کنند، ایجاد شبهه‌افکنی و بی‌اعتقادی، جای ایمان راسخ، است. تردیدافکنی و ایجاد شبهه، جنگ نرمی است که پیشینه‌ای به اندازه تاریخ رویارویی حق و باطل دارد. همیشه منکران و ملحدان و ظالمان در برابر حق و صف مؤمنان، علاوه بر جنگ سخت و رودرویی و درگیری فیزیکی و حذفی، زدن‌ها و کشتن‌ها؛ از حربه جنگ روانی و تبلیغاتی بهره می‌جستند.

جنگ نرم (soft war) در فرهنگ سیاسی به معنای فروپاشی از درون و درحقیقت شامل هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای است که جامعه هدف یا گروه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی و گشوده شدن آتش، رقیب را به انفعال یا شکست وا می‌دارد. جنگ نرم با هدف گرفتن فکر و اندیشه ملت‌ها، نقش مهمی را در سست کردن حلقه‌های فکری و فرهنگی جوامع ایفا می‌کند (اسکندری، ۱۳۹۰ش: ۱۲).

تهدید نرم عبارت است از هرگونه اقدام غیرخسونت‌آمیز که ارزش‌ها و هنجارها را مورد هجوم قرار داده و در حد نهایی منجر به تغییر در الگوهای رفتاری و خلق الگوهای جدید می‌شود که با الگوهای رفتارهای نظام حاکم تعارض داشته باشد. لازم به ذکر است که زمینه‌های تهدید نرم افزاری و یا حتی سخت‌افزاری مانند حمله نظامی شود (ادوراد آزر، مون، ۱۳۷۹ش: ۱۲۱)؛

۱. به تبع دشمنان، منافقان داخلی‌اند که همان مسیر را طی کرده بلکه بازوها و ابزار تحقق اهداف دشمنان هستند. یکی از کارهای آنان ایجاد تردید و اضطراب است: «لَوْ خَرَجُوا فَيَكْمُ مَا زَاذُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا...» (توبه: ۴۷)؛ «اگر آنها همراه شما [به سوی میدان جهاد] خارج می‌شدند، جز اضطراب و تردید، چیزی بر شما نمی‌افزودند».

اسکندری، ۱۳۹۰ش: ۱۲).

تهدید در هر بعد و شکل، یک هدف اساسی را دنبال می‌کند که عبارت است از «تحمیل اراده بر حریف» خواسته بنیادی در تحمیل اراده بر حریف، انجام رفتار مطلوب و مورد نظر کشور تهدیدکننده است. اگر قرار است بر رفتار حریف تأثیرگذاری شود بهترین راه تأثیرگذاری بر افکار اوست. تهدید نرم دو «پیکارگاه» دارد. یکی قلب و دیگری مغز. تصرف «قلب‌ها و مغزها» و تصرف دل‌ها و ذهن‌ها، هدف منازعات نرم است. در تهدید نرم عامل تهدید به دنبال الگوهای افناعتی است و تلاش می‌کند که مخاطب را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهد که ترجیحات و اولویت‌های خود را مطابق خواسته‌های عامل تهدید فهم و درک نماید (جوزف نای، ۱۳۸۳ش: ۱۴۹؛ اسکندری، ۱۳۹۰ش: ۱۱-۱۲).

یک بخش تأثیرگذاری از طریق باورسازی و الگوپردازی است و بخش دیگر آن را باورسوزی و مسخ الگوهای رایج تشکیل می‌دهد (اسکندری، ۱۳۹۰ش: ۱۲).

در دوره اهل بیت علیهم‌السلام و عصر حضور نمونه‌های فراوان می‌بینیم که مانند «حکیمیت»، نبرد پیروز را با فضای تبلیغاتی و نفوذ فکری به مظلومیت و تنهایی امیرالمؤمنین علیه‌السلام و تحمیل خواسته دشمن بر مؤمنان می‌کشاند. در دوره غیبت نیز روایات نشانگر شدت این موضوع است فتنه‌های آخرالزمان بسیاری برگرفته از فضای فکری و قلبی افراد است و تغییر ذائقه‌ها و اولویت‌ها و اهمیت‌هاست.

فضای تبلیغاتی امروز، رسانه‌ها و انواع شبکه‌های مختلف کار را به جایی می‌رساند که انواع تهمت‌ها و تردیدها و شبهات امروز تولید و یا بازسازی شده و در شکل‌های مختلف عرضه می‌گردد تا جایی که این جنگ کار را به حدی می‌رساند که در روایت آمده «جاهلان حتی به انکار جایگاه اولیای خدا در دستگاه الهی می‌پردازند».^۱ یا «شیعیان از اختلاف و نفرت و نگاه‌های متفاوت، در چهره هم آب دهان انداخته و همدیگر را لعن می‌کنند».^۲

این شبهات و تردیدها در عرصه‌های مختلفی است که در ادامه به بیان عرصه‌های مذکور خواهیم پرداخت:

۱. «أَمَا لِيُغَيَّبَنَّ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۰۲).

۲. «لَا يَكُونُ الْأَمْرُ الَّذِي تَنْتَظِرُونَهُ حَتَّى يَبْرَأَ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ وَ يَتَفَلَّحَ بَعْضُكُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ وَ يَشْهَدَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ بِالْكَفْرِ وَ يَلْعَنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا» (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۰۶).

۱. ایجاد شبهه و تردید درباره رهبر و امام

یکی از روش‌های دشمن ایجاد شبهه درباره رهبر و امام است این کار به صورت‌های مختلفی صورت می‌گیرد:

الف) ناتوانی در سیاست‌مداری و اداره امور

درباره حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام این‌گونه القاء می‌کردند که حضرت شجاع هست ولی آگاهی نظامی و تسلط بر مدیریت جنگ ندارد که در مقابل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

تا آن‌جا که قبیله قریش گفتند به راستی پسر ابوطالب مردی دلیر است، ولی از فن جنگ چیزی نمی‌داند. خدا پدرشان را بیمارزد. آیا کسی در قریش هست که از نظر جدیت در جنگ همانند من باشد و یا پیش قدمی و مقاومتش بیشتر از من باشد. هنوز بیست سالم نشده بود که آماده رزم گردیدم و امروز بیش از شصت سال از عمرم می‌گذرد و آن‌که فرمانش را اطاعت نکنند تدبیر و رأی بی‌فایده است.^۱

یا می‌گفتند معاویه از حضرت علی علیه السلام سیاست مدارتر است که حضرت می‌فرمود:

به خدا سوگند معاویه از من زیرک‌تر نیست لیکن روش او بی‌وفایی و خیانت کردن و فسق و فجور است. و اگر فریب و نیرنگ زشت نبود من زیرک‌ترین مردم بودم ولی هر نیرنگی فسق است و هر فسقی منجر به تارک شدن دل می‌گردد در روز قیامت همه نیرنگ‌بازان علامتی دارند که بدان شناخته می‌شوند و به خدا قسم مرا با مکر و فریب نتوانند غافلگیر کنند و با فشار و سخت‌گیری نخواهند توانست مرا از پای در آورند.^۲

ب) تهمت کشتن انسان‌ها نظیر کشتن عثمان

به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تهمت کشتن عثمان را زدند؛ حضرت در جواب فرمود:

هیچ اتهامی در کشتن عثمان به من وارد نیست من هم یکی از مردمان مسلمان مهاجر بودم که در خانه بودم وقتی عثمان را کشتید سراغ من آمدید و با من بیعت

۱. «حتی لقد قالت قریش و غیرها إن ابن ابی طالب رجُل شجاع و لکن لا علم له بالخزب لله أبوهم و هل کان منهم رجُل أشدّ مقاساة و تجرّبه و لا أطول لها مراساً منی فوالله لقد نهضت فیها و ما بلغت العشرین فها أنا ذا قد ذرفت علی السّین و لکن لا رأی لیمن لا بظاغ» (ثقفی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۳۲۹).

۲. «والله ما معاویة بأذهی منی و لکنه یغدر و یفجر و لو لا کراهیة العذر لکننت من أذهی الناس و لکن کل عذرة فجرة و کل فجرة کفرة و لکل غادر لواء یعرف به یوم القیامة و الله ما استغفل بالمکیدة و لا استغمر بالشّدیدة» (صبحی صالح، ۱۴۱۴ق: ۳۱۹).

کردید.^۱

دشمن همیشه دنبال جابه جایی جلادان و قاتلان با فداکاران، مظلومان و شهیدان است. از هزینه کردن معاویه برای این که آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ»^۲ که در وصف حضرت علی (ع) بود گفته شود درباره ابن ملجم است و آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...» (بقره: ۲۰۴) که در وصف منافقان و باطلان است را بگویند درباره حضرت علی (ع) (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۱۹۵) است.

درباره حضرت مهدی (ع) نیز با طرح روایاتی با عنوان کشتن دوسوم مردم جهان، سرازیری جوی خون و... افراد را از توجه به حضرت باز می دارند. همچنین در عصر غیبت^۳ نیز همیشه این روش دنبال شده است. فضای تبلیغاتی بر علیه علما و فقها و نایبان امام در عصر غیبت شاید بی تأثیر در تحقق شرایطی نیست که در روایت آمده مردم از علما چون گوسفندان فراری از گرگ می گریزند (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۱، ۳۷۶).

ج) افتراء و دروغ بستن

روش دیگر، تهمت و دروغ بستن به رهبران جامعه است چنان که حضرت امیرالمؤمنین (ع) مطرح می فرماید:

... در زمان زندگی و حیات رسول خدا (ص) دروغ‌هایی به آن گرامی نسبت می دادند تا جایی که پیامبر برخاست و فرمود: «هر کس از روی عمد و آگاهانه، به من نسبت دروغ دهد جایگاهش در آتش دوزخ است».^۴

۱. «والله، ما يلزميني في دم عثمان ثمة، ما كنت إلا رجلاً من المسلمين المهاجرين في بيتي، فلما قتلتموه أتيتموني ثبايعوني» (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق: ج ۲، ۸۳).

۲. «افرادى هستند (امیرمؤمنان علی (ع)) که جان خویش را با خداوند معامله می کند به خاطر به دست آوردن رضایت او و خداست که نسبت به بندگانش مهربان است» (بقره: ۲۰۷).

۳. مثلاً در ایام انتخابات سال ۱۳۹۶ برای حذف رقیب، بیگانگان منافقان که دست شان به خون ۱۷ هزار شهید در ترور آغشته بود را مظلوم و برخوردارکنندگان با آنان را جلاد القا می کردند تا جایی که مقام معظم رهبری در پاسخ گفتند: «دهه شصت یک دهه مظلوم و در عین حال بسیار مهم و سرنوشت ساز در تاریخ انقلاب اسلامی است که متأسفانه ناشناخته مانده و اخیراً هم به وسیله برخی بلندگوها و صاحبان آنها مورد تهاجم قرار گرفته است... تروریست های مورد حمایت قدرت ها، در دهه شصت، هزاران نفر از احاد مردم و مسئولین را به شهادت رساندند که در میان آنها از کاسب معمولی تا جوان و فعال سیاسی و شخصیت های بزرگ دیده می شوند». ایشان، اهل فکر را به تأمل در حقایق و واقعیت های دهه شصت فراخواندند و گفتند: «مراقب باشیم تا در دهه شصت، جای شهید و جلاد عوض نشود، زیرا ملت ایران در دهه شصت مظلوم واقع شد و به دلیل این که تروریست ها و منافقین و پشتیبانان آنها به امام و ملت ایران ظلم و خباثت کردند، ملت در موضع دفاع قرار گرفت و در نهایت هم پیروز شد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴ خرداد ۱۳۹۶).

۴. «وَ [قَدْ] لَقَدْ كَذَبَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَلَى عَهْدِهِ حَتَّى قَامَ خَطِيباً فَقَالَ مَنْ كَذَبَ عَلَى مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَفْعَدَهُ مِنْ

د) تهمت حرص و دنیاطلبی

تهمت حریص بر حکومت، تهمتی است که حتی بر حضرت علی علیه السلام هم می‌زدند. حضرت می‌فرماید:

اگر از قدر و منزلتم بگویم تهمتم می‌زنند که بر حکومت حریص است و اگر ساکت بمانم می‌گویند از مرگ ترسیده. هرگز، آن هم با آن همه مبارزات و جنگ‌ها!^۱

گوینده‌ای (سعد ابن ابی وقاص) به من گفت:

ای پسر ابی طالب تو به خلافت حریص هستی! گفتم: سوگند به خدا شما حریص‌تر (و به لیاقت به خلافت یا نسبت به پیغمبر) دورتر هستید، و من (به خلافت) سزاوارتر (و از جهت انتساب به رسول خدا) نزدیک‌ترم، و حق خود را می‌طلبم که شما میان من و آن مانع می‌شوید، و هر زمان آن را خواستم بگیرم روی مرا بر می‌گردانید (نمی‌گذارید به حق خود برسیم) پس چون در میان گروه حاضرین برهان را در گوش او فرو کوفتم (با دلیل پاسخش گفتم) متنبّه گشت (و از خواب غفلت) بیدار شد، و حیران و سرگردان ماند چنان‌که ندانست پاسخ مرا چه بگوید!^۲

۲. ایجاد شبهه و تردید درباره دین، مبانی و اهداف

القای ناتوانی یا ناکارآمدی دین یا جدایی آن از امور جاری جامعه یا اصطلاحاً سیاست، خط مشی دیگری است که در طول تاریخ مخاطبان خود را یافته است به ویژه آن‌که اگر بتوانند امور را مشتبه سازند وضع‌ها و یا کاستی‌های رخ داده را به حساب دین بگذارند. ماجرای تعارض علم و دین. تعارض دین و سیاست و... همه از این دست القائات است.

بزرگ‌نمایی برخی مسائل منفی در عین ندیدن جنبه‌های مثبت، عجله برای ثمره دادن سریع همه برنامه‌های نظام اسلامی و... نمونه‌ای از این دست شبهه‌ها می‌باشد.

۳. بهانه‌گیری

منکران، غیبت یا طول عمر را که مسئله‌ای است تحت سیطره قدرت الهی، بهانه کرده، اصل مهدویت را در دوران غیبت انکار می‌کنند و پس از ظهور، موضوعات دیگری را چون ظهور

الثار» (صبحی صالح، ۱۴۱۴ق: ۳۲۵).

۱. «هَذَا مَا أَجْن... فَإِنْ أَقَلَّ يَقُولُوا حَرَصَ عَلَى الْمَلِكِ وَإِنْ أَشْكُتْ يَقُولُوا جَزَعٌ مِنْ الْمَوْتِ...» (صبحی صالح، ۱۴۱۴ق: ۵۳).

۲. «وَقَدْ قَالَ قَائِلٌ إِنَّكَ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ يَا ابْنَ أَبِي ظَلَيْبٍ لِحَرِيصٍ فَقُلْتُ بَلْ أَنْتُمْ وَاللَّهِ لِأَحْرَضَ وَأَبْعَدُ وَأَنَا أَحْضُ وَأَقْرَبُ وَإِنَّمَا طَلَبْتُ حَقَّ لِي وَ أَنْتُمْ تَحُولُونَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ وَ تَضْرِبُونَ وَجْهِي إِذْ وَنَهُ فَلَمَّا قَرَعْتُهُ بِالْحَجَّةِ فِي الْمَلَأِ الْخَاضِرِينَ هَبَّ إِكَّانَهُ بُهْتٌ لَا يَذْرَى مَا يَجِئُنِي بِهِ» (شريف رضى، ۱۳۷۹ش: ج ۱، ۵۰).

حضرت با سن جوانی و... بهانه می‌کنند. اینان در موضوع مهدویت با این بهانه‌ها شبهه ایجاد می‌کنند.

قرآن کریم با اشاره به بهانه جویان می‌فرماید: ﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ...﴾ (یونس: ۲۰)؛ «کسانی که کافر شدند می‌گویند: چرا آیه [ومعجزه] ای از پروردگارش بر او نازل نشده است؟» ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا...﴾ (بقره: ۲۶)؛ «و اما آن‌ها که راه کفر را پیموده اند، می‌گویند: منظور خداوند از این مثل چه بوده است؟»

۴. ایجاد شبهه و تردید درباره حکومت و کارگزاران

فضای تبلیغاتی بر علیه قیس بن سعد فرمانروای مصر که حتی منجر به عزل او توسط امام علی علیه السلام شد:

معاویه شایعه‌ای را ساخت و گسترش داد (نامه‌ای دروغین جعل کرد که گویا قیس بن سعد به او ابراز وفاداری کرده است. سپس این شایعه دروغین میان مردم رواج یافت)، و فشار (اشعث و برخی دیگر) سبب شد که امام مجبور شود قیس را از فرمانروایی مصر عزل کند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق: ج ۶، ۶۱-۶۳).^۱

در دوره ما تهمت‌ها و شایعات بر علیه کارگزاران خدوم نهضت اسلامی مانند شهید بهشتی نمونه‌های دیگری از این دست است.

۵. ایجاد شبهه و تردید و بی‌اعتمادی نسبت به یکدیگر و ایجاد تفرقه

از جمله امور مورد توجه در فرآیند جنگ نرم، تضعیف از راه تزریق تفرقه در جامعه است. ایجاد و القای وجود تضاد و تفرقه در جبهه رقیب، سبب عدم انسجام و یکپارچگی می‌شود و رقیب را مشغول مشکلات درونی جامعه حامیان خود می‌کند و از این راه از اقتدار و انرژی آن کاسته و قدرت‌ش فرسوده می‌شود. قرآن به صراحت جامعه دینی را برادر خوانده است و از تفرقه منع کرده است:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾ (آل عمران: ۱۰۳)؛

و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هرگونه وسیله رحمت) چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان

۱. البته در برخی از منابع آمده که اشعث و برخی دیگر به امام فشار آوردند که او قیس را برکنار کند (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ۱۲۹۰؛ مسکویه رازی، ۱۳۷۹ش: ج ۱، ۵۱۱).

شما الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او برادر شدید.

در مقابل توصیه دین مبنی بر همدلی، تکافل و اخوت؛^۱ دشمنان با ایجاد شبهه، تردید، تخریب و انواع شیوه‌ها؛ جامعه دینی، مؤمنان و یاران اهل بیت (علیهم‌السلام) را به بی‌اعتمادی تفرقه و اختلاف و رویارویی مقابل هم می‌کشاند.

حضرت علی (علیه‌السلام) تفرقه و اختلاف را عامل شکست جامعه و فتنه‌گر و تفرقه‌افکن و آن‌که شعار اختلاف و تفرقه می‌دهد را مستحق کشته شدن بیان می‌دارند:

به جمعیت عظیم مسلمانان بپیوندید، که دست خدا (قدرت و عنایت خدا) با جماعت است، و از پراکندگی دوری کنید؛ زیرا آن‌که از جمع مسلمانان به یک سو شود، بهره شیطان است، چنان‌که گوسفند از گله درماند، نصیب گرگ بیابان است.^۲ آگاه باشید! کسی که به این شعار (اغواگر و تفرقه‌افکن خوارج) دعوت کند، گرچه در زیر عمامه من پناه آورده باشد، او را بکشید.^۳

شعار تفرقه موجب فتنه می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «... وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ...» (بقره: ۱۹۱)؛ یعنی فتنه‌انگیزی از کشتن بدتر است. زیرا فتنه‌انگیزی موجب سستی و از بین رفتن نیروها و در نتیجه غلبه دشمن می‌شود. در اثر اختلاف و نزاع، تمامی وقت مسلمانان گرفته شده و فرصت تفکر و عمل برای اهداف اصلی از ایشان سلب می‌گردد، در تمام دوران زندگی، مسائل اصلی، در حاشیه و مسائل فرعی، در متن زندگی قرار می‌گیرد. رقبا در همه زمینه‌ها، از مسلمانان پیشی گرفته و در حقیقت، بدون درگیری‌های زائد، بر مسلمانان مسلط می‌شوند (عسکری، ۱۳۸۵ ش: ۲۹۳، ۲۳).

رهبر بصیر انقلاب در این باره چنین می‌گویند:

این را ما باید همیشه در نظر داشته باشیم که در میان جبهه دشمنی ما در دنیا،

۱. «عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ ذَاتَ يَوْمٍ يَا عَبْدَ اللَّهِ أَحَبُّ فِي اللَّهِ وَ أُنْعَضُ فِي اللَّهِ وَ وَالٍ فِي اللَّهِ وَ عَادٍ فِي اللَّهِ فَإِنَّهُ لَا تُنَالُ وَلَا يَهُ اللَّهُ إِلَّا بِذَلِكَ وَ لَا يَجِدُ رَجُلٌ طَلْعَ الْإِيمَانِ وَ إِنْ كَثُرَتْ صَلَاتُهُ وَ صِيَامُهُ حَتَّى يَكُونَ كَذَلِكَ وَ قَدْ صَارَتْ مُوَاحَاةَ النَّاسِ يَوْمَكُمْ هَذَا أَكْثَرَهَا فِي الدُّنْيَا عَلَيْهَا يَتَوَادُّونَ وَ عَلَيْهَا يَتَبَاغَضُونَ وَ ذَلِكَ لَا يَغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً فَقَالَ لَهُ وَ كَيْفَ لِي أَنْ أَعْلَمَ أَنَّي قَدْ وَالَيْتُ وَ عَادَيْتُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَنْ وَ لِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حَتَّى أُوَالِيَهُ وَ مَنْ عَدُوُّهُ حَتَّى أُعَادِيَهُ فَأَسَارَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَى عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ أَ تَرَى هَذَا فَقَالَ بَلَى قَالَ وَ لِي هَذَا وَ لِي اللَّهُ فَوَالِيَهُ وَ عَدُوُّ هَذَا عَدُوُّ اللَّهِ فَعَادَهُ وَ لِي هَذَا وَ لَوْ أَنَّهُ قَاتَلَ أَبِيكَ وَ وَ لِيكَ وَ عَادَ عَدُوَّ هَذَا وَ لَوْ أَنَّهُ أَبُوكَ وَ وَ لَدَيْكَ...» (ابن بابويه، ۱۳۷۶ ش: ۱۲).

۲. «وَ الرُّمُؤَا السَّوَادِ الْأَعْظَمِ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ [عَلَى] مَعَ الْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّادَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّادَّ مِنَ الْعَنَمِ لِلذَّبِّ» (صبحی صالح)، ۱۴۱۴ ق: ۱۲۷ و ۱۸۴).

۳. «أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشُّعَارِ فَاقْتُلُوهُ وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ» (صبحی صالح)، ۱۴۱۴ ق: ۱۲۷ و ۱۸۵).

دشمنانی هستند که تخصصشان ایجاد اختلاف است؛ تخصصشان «تفرقه بینداز و حکومت کن یا سیادت کن» است؛ این جزو چیزهای قدیمی‌ای است که مربوط به بعضی از همین هاست؛ اینها بلدند این کار را انجام بدهند و انسان می‌بیند هر جا توانسته‌اند، این کار را هم انجام داده‌اند؛ از جمله اختلاف مذهبی، اختلاف شیعه و سنی؛ نباید بگذاریم که این چیزها در کشور رخ بدهد یا اوج پیدا بکند (بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط تصویری با مردم قم؛ ۱۴۰۰/۱۰/۱۹).

ویژگی یاران و راهکار (بینش و بصیرت)

در مقابل جنگ نرم، جنگ سخت، جنگ ترکیبی و شناختی آنچه مهم‌ترین عامل پیش‌گیرانه و موفقیت در مبارزات است بینش و شناخت و بصیرت است. به تبعیت از امیرالمؤمنین علیه السلام جامعه دینی و نیروهای تراز یاری اهل بیت علیهم السلام باید داری بینش و تشخیص بوده و از غفلت پرهیز کرده که دشمن با همه قوا به میدان آمده است. در تعبیر روایی ما، داشتن بصیرت و معیار، شناخت و تیزبینی، شاخصه نیروهای مطلوب است:

حضرت علی علیه السلام درباره چنین افرادی می‌فرماید:

(گروه دیگری از مسلمانان راستین به پا خاستند که) به خاطر صبر و استقامت‌شان منتی بر خدا نمی‌نهادند و بذل جان در راه حق را بزرگ نمی‌شمردند، تا آن‌که به فرمان خدا دوران آزمایش به پایان رسد و (این گروه مبارز) آگاهی و بینایی خود را بر شمشیرها حمل کردند (بصیرتی را که در کار دین داشتند آشکار کردند، آگاهانه با دشمن به مبارزه برخاستند) و به فرمان واعظ خویش (قیام می‌کنند و) به پرستش پروردگارشان پرداختند.^۱

درباره بینش و بصیرت چند شاخصه مطرح است:

۱. امام‌شناسی (شناخت اهداف، دغدغه‌ها و...)

یکی از توصیه‌های مهم و کارگشا در برابر شبهات شناخت و معرفت به امام است «بدون معرفت انسان به ایمان نمی‌رسد».^۲

۱. «لَمْ يَمُنُّوا عَلَى اللَّهِ بِالصَّبْرِ، وَلَمْ يَسْتَعِظُمُوا بِذَلِّ أَنْفُسِهِمْ فِي الْحَقِّ؛ حَتَّى إِذَا وَافَقَ وَارِدُ الْقَضَاءِ انْقِطَاعَ مُدَّةِ الْبَلَاءِ، حَمَلُوا بَصَائِرَهُمْ عَلَى أَشْيَائِهِمْ، وَذَانُوا لِرَبِّهِمْ بِأَمْرٍ وَأَعْظَمِهِمْ» (صبحی صالح، ۱۴۱۴ق: ۲۰۹).

۲. «لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ الْأَيْمَةَ كُلَّهُمْ وَ إِمَامَ زَمَانِهِ وَ يَرُدَّ إِلَيْهِ وَ يَسَلِّمَ لَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۱۸۰).

شناخت امام، سخت‌ترین حوادث را مدیریت می‌کند امتحانی بزرگ مانند طول غیبت^۱ که بسیاری را از مسیر خارج می‌کند؛ برای اهل معرفت به امام، حفظ‌کننده از بدی‌ها و ضررهای است که بسیاری را دربرگرفته و از مسیر هدایت خارج می‌سازد و دچار تردیدها و شبهات و انکار می‌کند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

امامت را بشناس چون به امامت معرفت یافتی تأخیر یا تقدیم امر ظهور هیچ ضرری به تو نخواهد رساند.^۲

کسی که امامش را بشناسد و قبل از قیام او از دنیا رود به منزله کسی است که در لشکر حضرت است بلکه مانند کسی است که تحت پرچم حضرت است... و چون شهید همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۷۱).

معرفت به امام و اضطرار به امام و اهداف و آرمان‌های حضرت و شناخت راه‌های دست‌یابی به آنها، فهم منویات مقاصد کلام و رفتار امام، انسان را از شبهات نجات داده و باعث تشخیص سره از ناسره امور می‌گردد. یارانی چون زراره در حدی با گفتمان امام آشنا بودند که اگر کسی سخنی از امام نقل می‌کرد. صحیح بودن و ناصحیح بودن آن را دریافته همچنین تحلیل کرده معنی و مقصد کلام تقیه و غیرتقیه و... را متوجه می‌شدند.

معرفت به امام و شناخت جایگاه امام باعث می‌شود در مقابل شبهات فراوان و هجمه‌های که بر امام و راه او می‌گردد انسان دچار تزلزل و تردید نگردد. لحظه‌ای به خود شک راه ندهد. نسبت به امام و اهداف او دچار تردید نگردد. اعتماد به امام را از دست نمی‌دهند. نتیجه اعتماد، اطاعت و تسلیم در برابر امام است. این همان خصلتی است که امام آرزوی چنین یارانی داشته و حسرت نبودشان را می‌خورد:

کجایند برادران من که در راه حق سوار شده و به راستی و درستی (عمر به پایان رسانده) گذشتند، کجاست عمار (ابن یاسر که در سنّ بیش از نود سال در صفین شهید شد) و کجاست ابوالهیثم مالک (ابن تیهان، و کجاست ذوالشهادتین^۳ و کجایند

۱. «اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لَطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَ انْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا؛ خدایا به خاطر طولانی شدن غیبت و بی‌خبری ما از او، یقین ما را مگیر (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۵۱۳).

۲. «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۷۱).

۳. ابوعمارة خزيمه ابن ثابت الأنصاري که پيغمبر اکرم گواهی او را به جای گواهی دو مرد قبول فرمود هنگامی که آن حضرت اسبی از اعرابی خریداری نموده بود و اعرابی انکار می‌نموده، حضرت فرمود: ای خزيمه آیا گواهی می‌دهی، گفت نه یا رسول الله، وليکن دانستم که اسب را خریداری نموده‌ای، آیا تو را به آنچه از جانب خدا آورده‌ای تصدیق می‌نمایم و براین

همانندان ایشان (ابن بدیل و هاشم ابن عتبه و غیر آنها) از برادران (همکیشان) آنان که (همگی در جنگ صفین کشته شدند و) با هم بر مرگ (کشته شدن در راه حق) پیمان بستند، و سرهاشان (بعد از کشته شدن) به سوی معصیت کاران (معاویه و پیروانش) فرستاده شد. نوف گفت: پس از این کلام امام با دست خود به محاسن (ریش) مبارک زده گریه بسیار کرد و فرمود: درینا بر برادران (همکیشان) من که قرآن را قرائت نموده آن را استوار دانستند (محترم شمردند) و در آنچه واجب بود اندیشه نموده آن را برپا داشتند (طبق آن عمل کردند) و سنت را زنده کرده بدعت را از بین بردند، به جهاد که خوانده شدند (آن را) پذیرفتند، و به پیشوا اعتماد داشته از او پیروی نمودند.^۱

طبق عبارت و وثقوا بالقائد فاتبعوه (و به پیشوا اعتماد داشته از او پیروی نمودند) در سخن حضرت علی علیه السلام؛ یکی از آثار چنین بینش و بصیرتی، ایمان و اعتماد به رهبر است.

۲. دین شناسی

دشمن در قالب القا شبهات، گاه دین و نمادهای دین را در مقابل حق به صف می کند. عباراتی از دین را به صورت سلیقه ای و موافق با اهداف خود به کار برده تا فرد دچار خطا و تردید گردد. گاه مطالبی از حق به کار می برد تا به هدف خود برسد. امام فرمود:

این که می گویند الحکم لله، فرمانروایی و حاکمیت تر آن خداست کلمه حقی است اما اینان به دنبال و ارده باطل اند می خواهند بگویند امیری نباشد «إِنَّهَا كَلِمَةٌ حَقٌّ يَزَادُ بِهَا بَاطِلٌ» (نصربن مزاحم، ۱۴۰۴ق: ۴۹۰).

گاه دشمن قرآن نماد دین را نیز بر نیزه کرده تا مقابل حق و دینداران و معتقدان به قرآن بایستد و شبهه ایجاد کند. در مقابل، راه نجات، شناخت هندسه دین است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

کسی که شناخت و معرفت دینی اش از کتاب خدا باشد، کوه ها اگر متزلزل شوند متزلزل نخواهد شد و هر که جاهلانه وارد کاری شود جاهلانه خارج می شود.^۲

معامله با اعرابی تصدیق نمی کنم، پس آن بزرگوار فرمود: گواهی تو چون گواهی دو مرد می باشد.

۱. «أَيُّنَ إِخْوَانِي الَّذِينَ رَكِبُوا الظَّرِيقَ وَ مَضَوْا عَلَى الْحَقِّ أَيْنَ عَمَّارٍ وَ أَيْنَ ابْنِ التَّيْبَانِ وَ أَيْنَ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ وَ أَيْنَ نَظْرًا وَ هُمْ مِنْ إِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ تَعَاقَدُوا عَلَى الْمَيْمَةِ وَ أُبْرِدَ بَرءٌ وَ بِهِمْ إِلَى الْفَجْرِ قَالَ ثُمَّ صَرَبَ بِيَدِهِ [إِلَى] عَلَى لِحْيَتِهِ الشَّرِيفَةِ الْكَرِيمَةِ فَأَطَالَ الْبُكَاءَ ثُمَّ قَالَ علیه السلام - [أَوْه] عَلَى إِخْوَانِي الَّذِينَ تَلَّوْا الْقُرْآنَ فَأَحْكُمُوهُ وَ تَدَبَّرُوا الْفَرْصَ فَأَقَامُوهُ - أَخِيُوا الشُّنَّةَ وَ أَمَاتُوا الْبِدْعَةَ دُعُوا لِلْجِهَادِ فَأَجَابُوا وَ وَثِقُوا بِالْقَائِدِ فَاتَّبَعُوهُ» (صبحی صالح، ۱۴۱۴ق: ۲۶۴).

۲. «إِنَّهُ مَنْ عَرَفَ دِينَهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ زَالَتِ الْجِبَالُ قَبْلَ أَنْ يُرْوَلَ وَ مَنْ دَخَلَ فِي أَمْرِ بِجَهْلٍ خَرَجَ مِنْهُ بِجَهْلٍ» (طبری

شناخت دین و هندسه آن انسان را از خطرات حفظ می‌کند. فهم مبانی و اصول دین انسان را از بخشی دیدن دین حفظ می‌کند و هر آنچه به صورت تحریف و یا بخشی و ایمان به بعض و کتمان و کفر به بعض^۱ بر او به او القا می‌گردد را تشخیص می‌دهد.

۳. زمان‌شناسی و شناخت دشمن و حربه‌های او

شناخت دشمن و حربه‌ها و فتنه‌ها و برنامه‌های او؛ شاخصه‌ای از شناخت زمان است که دارا بودن او انسان را از شبهات و تردیدها حفظ می‌کند.
امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

الْعَالَمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَايِسُ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۷)؛
عالم بزمان دچار تردیدها نخواهد شد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

إِذَا تَغَيَّرَ السُّلْطَانُ تَغَيَّرَ الزَّمَانُ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۸۶)؛
وقتی سلطان تغییر کند زمان تغییر می‌کند.

امام علی علیه السلام در روایت دیگر می‌فرماید:

إِذَا تَغَيَّرَتْ نِيَّةُ السُّلْطَانِ تَغَيَّرَ الزَّمَانُ (تمیمی درآمدی، ۱۴۰۱ق: ۲۸۲، ح ۳۷).
وقتی سیاست‌ها و اهداف حکومت‌ها تغییر می‌کند زمان تغییر می‌کند.

۴. وظیفه‌شناسی و درک موقعیت

با شناخت هندسه دین و عدم نگاه بخشی و جزیره‌ای به دین، زمان‌شناسی و دشمن‌شناسی، انسان وظیفه را تشخیص داده و به شناخت به تکلیف و درک موقعیت می‌رسد. به عبارت دیگر تشخیص وظیفه و درک موقعیت وابسته به قدرت تمیز و ادراک است، لذا انسان ناآگاهی که دارای قدرت درک و فهم نباشد تشخیص وظیفه نداده و نمی‌تواند به کاری اقدام نماید.

۵. انجام تکالیف

هرچند با بینش و بصیرت انسان تکلیف و وظیفه را تشخیص داده و عمل می‌نماید اما از

آملی، ۱۳۸۳ق: ۱۲۹).

۱. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۵۰).

آن سو نیز یکی از مسائلی که باعث بینش، معرفت و بصیرت شده و انسان را از شبهات حفظ می‌کند، انجام وظیفه و تکلیف و اطاعت دستورات قرآن و روایات است:

بدانید که ما خاندانی هستیم که از حکم خدا حکومت یافته‌ایم و سخن راست شنیده‌ایم، اگر از شیوه ما پیروی کنید و راه ما را بیمائید و در پی نشانه‌های ما حرکت کنید با چراغ‌های راهنمای ما و بینش و بصیرت ما به سر منزل مقصود رسید و اگر با ما مخالفت کنید هلاک شوید و اگر به ما اقتدا کنید ما را براساس قرآن پیش روی خود ببینید و اگر مخالفت ما کنید جز به خود ضرر نزنید.^۱

۶. عدم غفلت

یکی از ابعاد مهم بینش، عدم غفلت است. فهم برنامه‌ریزی دشمن و حرکات دشمن در جنگ نرم و جنگ سخت هوشیاری پیوسته و عدم غفلت می‌طلبد ولی متأسفانه اموری عوامل غفلت شده و انسان را از بینش لازم باز می‌دارد.

عواملی چون؛ هوای نفس، لذت جویی، سستی و تن‌آسایی، حسادت، بخل، خشم، وسوسه‌های شیطان، جلوه‌های دنیا و دنیاگرایی، وابستگی به ثروت، فرزندان و همسران، سستی ایمان، آروزهای دراز، جهل و نادانی و بی‌اعتنایی به آرای دیگران، عدم تجربه از شکست‌ها و پیروزی‌های دیگران، اهتمام و اشتغال به امور غیرمهم و حاشیه‌ای و عدم اهتمام به امراضی و مهم، دلبستگی و تعلق به دشمنان و... از عوامل ایجاد غفلت محسوب می‌شوند.

جامعه دینی و نیروهای همراه و کارآمد برای دین ولی دین باید این عوامل را مراقبت کرده و الا در غفلت اسیر آمده و خود زمینه بی‌بصیرتی را فراهم آورده و تسلیم جنگ نرم و شبهات می‌گردند.

در عبارتی امیرالمؤمنین علیه السلام پیامد غفلت از دشمن که محاصره و اسارت ذلیلانه است را مطرح و می‌فرماید از آگاهی لازم برخوردار او غافلگیر دشمن نخواهم شد:

به خدا سوگند! از آگاهی لازمی برخوردارم و هرگز غافلگیر نمی‌شوم که دشمنان ناگهان مرا محاصره کنند و با نیرنگ دستگیر نمایند. من همواره با یاری انسان حق طلب، بر سر آن کس می‌کوبم که از حق روی گردان است (طوسی، ۱۴۱۴ ق: ۵۲).

۱. «أَلَا وَإِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ مِنْ حُكْمِ اللَّهِ حَكَمْنَا وَ قَوْلٍ صَادِقٍ سَمِعْنَا، فَإِنْ تَتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَ تَسْلُكُوا طَرِيقَنَا وَ آتَاؤُنَا تَهْتَدُوا بِبَصَائِرِنَا، وَ إِنْ تُخَالِفُونَا تَهْلِكُوا، وَ إِنْ تَفْتَدُوا بِنَا تَجِدُونَا عَلَى الْكِتَابِ إِمَامَكُمْ، وَ إِنْ تُخَالِفُونَا لَمْ تَضُرُّوا بِذَلِكَ إِلَّا أَنْفُسَكُمْ» (هلالی، ۱۴۰۵ ق: ج ۲، ۸۸۵).

این عبارات همراه با توصیه‌ای است که حضرت برای همگان به عنوان یک نقشه راه تعیین می‌کنند:

کسی که به هنگام یاری ولی (رهبر) خود بخوابد، با لگد دشمن از خواب بیدار خواهد شد!^۱

۷. توصیه دیگران به حق و بصیرت‌افزایی

«تواصوا بالحق» که در سوره والعصر آمده به صراحت مطرح می‌کند: ویژگی اهل ایمان و عمل صالح که از خسران دورند، این است که دیگران را به حق توصیه می‌نمایند. حق را تبیین و دیگران را بر شناخت و همراهی و پایبندی آن سفارش می‌کنند.

بصیرت‌بخشی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در همه ادوار

یکی از مهم‌ترین رفتار امیرالمؤمنین (علیه السلام) بصیرت‌افزایی است: «زندگی امیرالمؤمنین (علیه السلام) سر تا پا درس است. آن چیزی که در میان رفتارهای امیرالمؤمنین - که شامل همه خصلت‌های نیک یک انسان و یک زمامدار است - انسان مشاهده می‌کند و برترین این خصوصیات برای امروز ماست، مسئله بصیرت‌بخشی و بصیرت‌دهی به کسانی است که نیاز به بصیرت دارند؛ یعنی روشن کردن فضا. در همه ادوار، این شجاعت بی‌پایان، این فداکاری عظیم، در خدمت آگاه کردن مردم، عمق دادن به اندیشه مردم و ایمان مردم به کار رفته است. در جنگ صفین وقتی طرف مقابل که احساس می‌کرد دارد شکست می‌خورد، برای این‌که جنگ را متوقف کند، قرآن‌ها را سر نیزه کرد، یک عده‌ای آمدند دور امیرالمؤمنین را گرفتند و فشار آوردند که باید تسلیم شوی و جنگ را تمام کنی؛ اینها قرآن را مطرح کردند. کار مزورانه‌ای بود، کار عجیبی بود. حضرت فرمود: شما اشتباه می‌کنید؛ شما اینها را نمی‌شناسید. این کسانی که امروز قرآن را به عنوان حکم مطرح می‌کنند، به قرآن اعتقاد ندارند. من اینها را می‌شناسم» ائی عرفتهم اطفالا و رجالا؛ من دوره کودکی اینها را دیدم، دوره بزرگی اینها را هم دیدم «فکانوا شرّ اطفال و شرّ رجال»؛ (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ۲۷۰؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۳، ۳۸۷) بدترین‌ها بودند. اینها به قرآن اعتقادی ندارند. وقتی در تنگنا گیر می‌کنند، قرآن را مطرح می‌کنند. البته آنها گوش نکردند، اصرار ورزیدند و دنیای اسلام خسارتش را خورد.

امیرالمؤمنین اهل بصیرت دادن است. امروز ما به این بصیرت احتیاج داریم. امروز دشمنان

۱. مَنْ نَامَ عَنْ نُصْرَةِ وَلِيِّهِ اَنْتَبَهَ بِوُطْأَةِ عَدُوِّهِ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۶۳۰، ح ۱۰۱۸).

دنیای اسلام، دشمنان وحدت اسلام، با ابزارهای دین وارد می‌شوند، با ابزارهای اخلاق وارد می‌شوند؛ باید هوشیار بود. آن جایی که می‌خواهند افکار عمومی مردم غیرمسلمان را فریب بدهند، نام حقوق بشر را می‌آورند، نام دموکراسی را می‌آورند؛ آن جایی که می‌خواهند افکار عمومی دنیای اسلام را فریب بدهند، نام قرآن را می‌آورند، نام اسلام را می‌آورند؛ در حالی که نه به اسلام و قرآن اعتقادی دارند، نه به حقوق بشر اعتقادی دارند. این را امت اسلامی باید بداند. ملت ایران در طول این سی سال، سی و یک سال اینها را آزموده است؛ امروز هم باید بدانیم، همه ما باید بدانیم (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۰۴/۵).

نمونه‌هایی از یاران تراز

یاران خالص اهل بیت علیهم‌السلام به پیروی از ایشان، جدا از دارا بودن بصیرت لازم، نسبت به دیگران نیز در مقابل شبهات، تردیدها و مشتبه شدن امور، بصیرت‌افزایی می‌کردند:

۱. دوشهادتین و...

شناخت و بصیرت از معرفت و انس با قرآن و معارف آن، تدبیر در آن و معیار قرار دادن آن، نه سلیقه‌ها و هوا و هوس، انجام وظیفه و دوری از معصیت رخ می‌دهد. دوشهادتین، عمار، ابن التیهان و افرادی نظیرشان؛ همان کسانی‌اند که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام حسرت‌شان را می‌خورد و می‌گیرد.

۲. عمار

عمار در زمان مشکلات و تیرگی‌ها، سراغ خواص می‌رفت از محکم‌ها تا متزلزل‌ها و حتی متهمین به نفاق! حتی موقع حرکت از مدینه به سمت بصره برای فرو نشانیدن فتنه جمل اصرار داشت مغیره را هم حق شناسانده و همراه کند (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۲، ۱۲۴).

۳. سعیدبن قیس

سعیدبن قیس یکی از یاران باوفای حضرت علی علیه‌السلام پس از حمد الهی و قدردانی از نعمت رسالت و ونعمت ولایت برای مردم چنین معرفت و بینشی ایجاد می‌کند:
سوگند که اگر فرمانده ما سیاه حبشی دست و پا بریده‌ای می‌بود،^۱ با آن که هفتاد تن از

۱. عبارت «حبشیا مجدعا» اشاره به حدیث است ابوذر که گفت: «دوست محبوبیم (رسول اکرم) به من سفارش فرمود که (در جهاد به امر فرمانده خود) گوش کنم و از او فرمان برم هرچند او بنده سیاهی حبشی و دست و پای بریده باشد» (نصربن مزاحم، ۱۴۰۴ق: ۲۳۷).

بدریان (رزمنده) با مایند از ما می‌سزید که دیده دل خود را بگشائیم و ضمیر خویش را پاک داریم و از همو اطاعت کنیم. چه رسد به این که اینک سرپرست ما پسر عمّ پیامبر ماست، (این رزمجوی) بدری راستین، که در خردسالی نماز گزارد (و نماز و بیعتش در همان خردی پذیرفته آمد) و همراه پیامبر خود در بزرگی جهاد کرد. در حالی که معاویه (همان) اسیری است که از قید اسارت جنگی آزاد شد، و زاده اسیر آزاد شده است. هان، که او گمراه‌ترین جفاکاران است که پیش از جمله آنان به دوزخ درآید و ننگی فزون‌تر به میراث برد، و خداوند همه ایشان را به ذلّت و حقارت دچار کند. هان، که شما فردا با دشمن‌تان روبه‌رو خواهید شد، بر شماست که خدا را پرهیزگار باشید و کوشش و احتیاط را به کار برید و بر اخلاص و صبر بپائید، زیرا خدا با صابران است. هان، که شما با کشتن ایشان (به آخرت) کامیاب و رستگار می‌شوید و آنان با کشتن شما (به آخرت) بدبخت و تیره‌روز می‌گردند... (نصرین مزاحم، ۱۴۰۴ ق: ۲۳۷).

۴. قیس بن سعد

در هنگامی که عبیدالله بن عباس به خیانت حضرت علی علیه السلام را تنها گذارده و شبانه به معاویه ملحق شد زمانی که بسیاری از یاران از این ریزش دچار تزلزل و تردید شدند قیس بن سعد یکی دیگر از یاران وفادار امام علی علیه السلام و امام حسن مجتبی علیه السلام مردم را متوجه امور کرده و بصیرت‌افزایی می‌کند و در سخنانش می‌گوید:

آنچه این مرد بی‌عقل نادان ترسو کرده برای تان بزرگ نیامده و باعث ترس تان نشود، پدرش عموی رسول خدا بود فدیّه‌ها را تقسیم کرد. برادرش را امیرالمؤمنین بر بصره سرپرست قرار داد اموال خدا و مردم را دزدید و آن را حلال می‌دانست. خودش هم بر یمن سرپرست قرار داده شد از بسر بن ابی‌ارطاه فرار کرده و زن و فرزند خود را جا نهاد تا کشته شدند و الان هم دیدید چه کرد (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ ق: ۱، ۵۲۱).

۵. عباس علیه السلام نافذ البصیره

نمونه‌ای درخشان از بصیرت و بینش بی‌نظیر حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام است که در میدان‌های مختلف غربت و تنهایی امام حسن مجتبی علیه السلام و در غربت و تنهایی امام حسین سیدالشهدا علیه السلام در مقابل حتی بستگان نزدیکی که نتوانستند درست تشخیص داده و درست تصمیم بگیرند خود دارای بینش لازم نبوده تا بصیرت‌افزایی کنند؛ جناب عباس علیه السلام نه تنها درست تشخیص داده بلکه دیگران را نیز بر این امر راهنمایی و هدایت نمود. سخنان ایشان در شب عاشورا قله‌ای از اقدام به موقع و تبیین به جاست.

امام صادق علیه السلام درباره ایشان فرمودند:

كَانَ عَمُّنَا الْعَبَّاسُ بْنُ عَلِيٍّ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ صُلِبَ الْإِيمَانُ جَاهِدَ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَبِي بَلَاءٍ حَسَنًا وَمَضَى شَهِيدًا (ابن حيون، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۱۹۱)؛
عموی ما، عباس، دارای بینشی ژرف و ایمانی راسخ بود؛ همراه با امام حسین علیه السلام جهاد کرد و نیک آزمایش داد و به شهادت رسید.

عالمان بابصیرت

در روایات فراوانی اهل بیت علیهم السلام بصیرت‌افزایی را از شاخصه‌های عالمان می‌دانند. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

کسی که دوست ما را در مقابل دشمن ما یاری نماید و او را تقویت کند و شجاع نماید تا بتواند به بهترین شکلی حق را که برتری ماست اثبات نماید و زشتی باطلی که دشمنان ما برای محو حق ما اراده کرده‌اند آشکار کند، و در نتیجه آن بی‌خبران بیدار و حق‌جویان بینا شوند، و در بینایی و بصیرت اقدام‌کنندگان بیفزاید، چنین شخصی را خداوند در بالاترین منازل بهشت جای می‌دهد، و به او می‌گوید ای بنده من ای شکننده دشمنانم و ای یاور دوستانم که برتری بهترین پیامبرم و شرافت برترین اولیائم را آشکار نمودی و با کسانی که با محمد ﷺ و علی علیه السلام دشمنی کردند دشمنی نمودی، همچنین با کسانی که از روی دوستی با دشمنان، نام دشمنان محمد و علی، و نام جانشینان آنان و القاب‌شان را برای خود انتخاب می‌کنند دشمنی نمودی! خداوند این خطاب الهی را به تمامی اهل قیامت می‌رساند، پس هیچ فرشته‌ای و هیچ ستمگری و هیچ شیطنانی باقی نمی‌ماند مگر این‌که بر این شخص که شکننده دشمنان محمد ﷺ است درود می‌فرستند و دشمنان این شخص را که از دشمنان محمد ﷺ و علی علیه السلام هستند لعنت می‌کنند (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۱۰، باب ۸).

در روایت دیگر امام رضا علیه السلام بهترین زاد و توشه عالمان را هدایتگری و بینش‌افزایی بیان می‌فرمایند:

بهترین چیزی که دانشمندان دوستدار و موالی ما برای روز فقر و احتیاج و ذلت و مسکنت‌شان به پیش می‌فرستند فریادرسی بی‌چاره‌ای از دوستان ما در دنیا است که در دست دشمن ما که دشمن خدا و رسول است گرفتار آمده است، هنگامی که از قبرش برمی‌خیزد فرشتگان از لب قبر او تا قصر او در بهشت به صف می‌ایستند و او را بر بال‌های‌شان سوار می‌کنند و شعار می‌دهند خوش آمدی خوشا به حالت خوشا به حالت ای کسی که سگان را از خوبان راندی و ای کسی که برای امامان خوب تعصب داشتی! (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ۱۹).

نتیجه‌گیری

در مقابل تردیدها و جنگ نرم و انواع شایعات (درباره امام، دین، حکومت و کارگزاران و...) بصیرت و بینش بسیار بااهمیت بوده و جامعه و یارانی که از این امر بهره کافی نبرده باشند در اثر شبهات و مواجهه نرم دشمنان دچار تردید و تزلزل شده و بزنگاه اقدام مناسب نکرده یا در صف دشمن قرار می‌گیرند. در واقع بصیرت و بینش و در پی آن بصیرت‌افزایی و دعوت به حق از تلاش و کوشش و جهاد سخت بسیار مهم‌تر و بلکه پایه و بنیان پیروزی یا شکست در آن است.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبة*، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، تهران، اول.
۲. ابن ابی الحدید معتزلی، عزالدین عبدالحمید بن محمد (۱۴۰۴ق)، *شرح نهج البلاغه*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، اول.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه، دوم.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، *الأمالی*، تهران: کتابچی، ششم.
۵. ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۴۰۹ق)، *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار*، محقق و مصحح: محمدحسین حسینی جلالی، قم: جامعه مدرسین، اول.
۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، دوم.
۷. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق)، *الاستیعاب فی معرفة الأصحاب*، محقق: علی محمد بجاوی، بیروت: دارالجمیل.
۸. احمدی میانجی، علی (۱۴۲۶ق)، *مکاتیب الأئمة*، محقق و مصحح: مجتبی فرجی، قم: دارالحدیث، اول.
۹. اسکندری، حمید (۱۳۹۰ش)، *تهدید نرم - جنگ نرم*، تهران: بوستان حمید، اول.
۱۰. آزر، ادوارد؛ مون، چونگ این (۱۳۷۹ش)، *امنیت ملی در جهان سوم*، تهران: پژوهشکده

مطالعات راهبردی .

۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، *غررالحکم ودررالكلم*، قم: دارالکتاب الإسلامی، دوم.
۱۲. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال (۱۴۱۰ق)، *الغارات*، محقق و مصحح: عبدالزهراء حسینی، قم: دارالکتاب الإسلامی، اول.
۱۳. شریف الرضی، محمد بن حسین؛ فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی (۱۳۷۹ش)، ترجمه و شرح *نهج البلاغه*، تهران: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام، پنجم.
۱۴. صبوحی صالح (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه*، محقق و مصحح: فیض الإسلام، قم: هجرت، اول.
۱۵. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مصحح: محمد باقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی.
۱۶. طبری آملی، عمادالدین ابی جعفر محمد بن ابی القاسم (۱۳۸۳ق)، *بشارة المصطفى لشيعة المرتضى*، نجف: المكتبة الحيدرية، دوم.
۱۷. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، *الأمالی*، قم: دارالثقافة.
۱۸. عسکری (۱۳۸۵ش)، «اختلاف و پیامدهای ناگوار آن در قرآن»، *مجله پاسدار اسلام*، شماره ۲۹۳.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چهارم.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹ق)، *کافی*، قم: دارالحديث، اول.
۲۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم.
۲۲. مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۷۹ش)، *تجارب الامم*، تحقیق: ابوالقاسم امامی، تهران: سروش.
۲۳. مفید، محمد بن محمد نعمان (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ مفید، اول.
۲۴. نای، جوزف (۱۳۸۳ش)، *قدرت نرم، راهبردهای دفاعی*، ترجمه: محمود عسگری، تهران: بی نا.

۲۵. نصر بن مزاحم (۱۴۰۴ق)، *وقعه صفین*، محقق و مصحح: عبدالسلام محمد هارون، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، دوم.
۲۶. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل*، محقق و مصحح: مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، اول.
۲۷. هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق)، *کتاب سلیم بن قیس*، محقق و مصحح: محمد انصاری زنجانی خوئینی، قم: الهادی، اول.

28. <https://khamenei.ir>